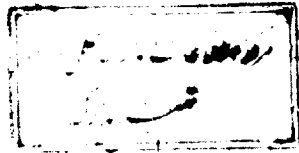


۲۴۳۷۰

۱۳۷۸ / ۲ / ۲۰

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق



پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی

موضوع:

نقش دادسرای دیوانعالی کشور در تشکیلات و

سازمانهای قضایی ایران

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر منوچهر خزانی

استاد مشاور:

جناب دکتر کوشا

نگارش:

کاظم صادقی

دیماه ۱۳۷۷

۱۱۷۱/۲

۲۴۳۷۰

موضوع پایان نامه

نقش دادسرای دیوانعالی کشور در تشکیلات و سازمانهای قضایی ایران

فهرست موضوعات

صفحه	عنوان:
۱	مقدمه
۱۰	بخش اول (کلیات)
۱۰	فصل اول: نگاهی کوتاه تاریخی
۱۱	مبحث اول: ایران قبل از اسلام
۱۱	گفتار اول: سازمان قضایی هخامنشیان
۱۲	گفتار دوم: سازمان قضایی اشکانیان
۱۳	گفتار سوم: سازمان قضایی ساسانیان
۱۴	فصل دوم: ایران بعد از اسلام
۱۴	گفتار اول: دیوان مظالم
۱۵	گفتار دوم: ولایت مظالم
۱۶	گفتار سوم: ولایت مظالم عامه و خاصه
۱۷	فصل سوم: ایران قبل و بعد از مشروطیت

۱۷	گفتار اول: ایران قبل از مشروطیت
۱۷	گفتار دوم: ایران بعد از مشروطیت
۱۹	فصل چهارم: جایگاه قضات دادرسی دیوانعالی کشور در نظام دادگستری ایران
۲۰	گفتار اول: شرایط قاضی در اسلام
۲۵	گفتار دوم: شرایط احراز قضاوت
۲۷	۱- اجتهاد
۳۰	۲- قاضی متجزی
۳۱	۳- موافقین تجزی
۳۲	۴- مخالفین تجزی
۳۳	گفتار سوم: قاضی ماذون
۳۹	نتیجه بخش اول
۴۳	بخش دوم: بررسی دادرسی دیوانعالی کشور در قوانین کیفری ایران

فصل اول:

- ۴۳ وظایف دادستان کل از سال ۱۳۲۹ الی ۱۳۵۶
- ۴۳ گفتار اول: در قانون اساسی نظام قبلی
- ۴۴ گفتار دوم: در قانون آ.د.ک ۱۳۳۰
- ۴۷ فصل دوم: مسایل دیگر مربوط به دادرسی دیوانعالی کشور
- ۴۷ مبحث اول: وظایف دادستان کل در قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶
- ۵۰ گفتار اول: اعاده دادرسی
- ۵۲ گفتار دوم: متقاضیان اعاده دادرسی کیفری از دادستان کل کشور
- ۵۳ ۱- محکوم علیه یا وارث قانونی او
- ۵۵ ۲- دادستان کل کشور
- ۵۶ ۳- دادستان مجری حکم با موافقت دادستان کل کشور
- ۵۸ مبحث دوم: تحول دادرسی دیوان کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

۵۸	گفتار اول: تشریفات رسیدگی مجدد
۵۸	۱- مادتین ۲۸۴ و ۲۸۴ مکرر قانون آ.د.ک
۶۱	۲- دستورالعمل اجرای مواد ۲۸۴ و ۲۸۴ مکرر قانون آ.د.ک
۶۳	گفتار دوم ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور مصوب سال ۱۳۶۸
۶۶	گفتار سوم: ماده ۱۷ قانون تجدید نظر آراء دادگاهها
۶۸	گفتار چهارم: ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی انقلاب
۷۵	۱- نحوه پذیرش و تقدیم درخواست بموجب ماده ۳۱
۷۵	الف: نحوه تقدیم درخواست
۷۶	ب: مرحله مقدماتی رسیدگی
۷۶	۲- مرحله رسیدگی
۷۶	۳- مرحله نهایی
۷۷	۴- محاسن و معایب ماده ۳۱
۷۷	الف: بررسی محاسن
۷۷	ب: بررسی معایب

۷۷	۵- تاثیر مطالعه پرونده در اجرای حکم صادره
۷۸	گفتار پنجم: بررسی آمار عملکرد دادرسی دیوانعالی کشور در خصوص ماده ۳۱
۸۲	مقایسه آمار کل فعالیت دادرسی دیوانعالی کشور در سال ۱۳۷۶ با سال ۱۳۷۵
۹۴	گفتار ششم: دادستان کل به عنوان مرجع تجدید نظر
۹۴	۱- ماده ۳۲ قانون مبارزه با مواد مخدر
۹۶	۲- تایید احکام اعدام مربوط به جرایم مواد مخدر
۹۹	الف: نقض حکم اعدام
۹۹	ب: پذیرش نظر دادستان کل توسط دادگاه صادرکننده حکم
۱۰۱	ج: عدم پذیرش نظر دادستان کل
۱۰۳	گفتار ششم: تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۷۳
۱۰۴	۱- سابقه تاریخی ماده ۱۸ قانون مذکور
۱۰۷	۲- رای وحدت رویه
۱۱۳	گفتار هفتم: وظایف دادستان کل در دیوانعالی کشور
۱۱۴	۱- در هیات عمومی
۱۱۴	۲- در شعب دیوانعالی کشور
۱۱۴	۳- در خارج شعب
۱۱۷	نتیجه کلی:
۱۲۳	منابع و ماخذ

«تقدیم به:

همسرم که همواره مددکار و مشوقم بوده است».

با سپاس از اندیشمندان اسلامی و هادیان حقیر در وادی پیجوئی موضوع حاضر
بالاخص اساتید گرانقدر و صبورم جناب آقای دکتر خزانی و جناب آقای دکتر کوشا که در
طول این مسیر دشوار بنحو بی‌شائبه ارائه طریق فرمودند و بارها گاه‌وبیگاه وقتشان را
تضییع و خاطرشان را مشغول ساختم، قدردانی و سپاسگذاری می‌نمایم.

بنام خدا

مقدمه:

دقت در اوضاع شگفت‌انگیز حیات، نشانگر این واقعیت است که هستی تمام موجودات جهان بر پایه یک سلسله مقررات و نظامات دقیق استوار است، بوجود آمدن هر موجودی بر اساس قوانین محکم، و تداوم حیاتش نیز مرهون مقرراتی متین و برنامه‌هائی منظم است. این اراده و مشیت حضرت حق است که باید پدید آمدن موجود با تکیه بر قانون و ادامه هستی اش نیز متکی به مقررات معین باشد. آثاری که از مکتب پاک پیامبران در قرآن و اخبار و روایات درباره جهان نقل شده گویای این واقعیت زیبا، و مسئله بس مهم است.

از اتم که یکی از کوچکترین عناصر اولیه تشکیل دهنده ساختمان موجود هست گرفت، تا موجودیت فرد و موجودات، اعم از آسمانهای برافراشته و کلیه موجوداتی که در آنهاست، تا زمین و هر چه در آن است همه غرق در قانون و مقررات‌اند.

انسان در میان موجودات جهان موقفی خاص و موضعی استثنائی دارد.

انسان حس میکند که از بسیاری از موجودات جهان برتر است و این حس او را قرآن کریم صحیح میداند. اعتبار ویژه انسان در میان موجودات، بخاطر بودن مایه‌های ارزنده‌ای چون عقل و فطرت و وجدان و بخصوص گوهر پر بها ی اختیار است، و بر اساس همین واقعیت‌هاست که قرآن مجید از او بعنوان موجودی با ارزش یاد کرده است. «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم»^(۱).

محتماً انسان را در نیکوترین تصویر و تعدیل آفریدیم.

انی جاعل فی الارض خلیفه^(۲) به ملائکه فرمود من میخواهم در زمین برای خود نائب قرار بدهم. البته انسان در بوجود آمدن و بیرون رفتن از جهان و برپائی نظام جسم و بدن متکی به قوانین تکوین

است، و در این مسئله با تمام موجودات عالم همسان و همراه می‌باشد. ولی باید دانست که قوانین تکوین هرگز عامل شکوفا شدن مایه‌های کرامت و فضیلت نیست، و عقل و فطرت و وجدان و انسانیت، انسان با این نوع قوانین به رشد و کمال نمی‌رسد، و هرگز گوهر پربهای اختیار با قوانین تکوین در مسیری که از انسان منبعی از خیر و برکت به وجود آورد قرار نمی‌گیرد.

در این زمینه انسان نیازمند به قوانین دیگریست که او را در راه شکفته شدن اصالت‌ها بش کمک کند، و با عقل و وجدان و فطرتش تناسب داشته باشد.

نیازمند به قوانین و مقرراتی است، که او را در مسیر عدل رهنمون شود. و از او موجودی با فضیلت و بیدار و بینا بسازد.

نیازمند به حقایقی است که او را در مسیر تربیت الهی، اخلاق پاک، صفات حمیده قرار داده و وی را تبدیل به کلمه طیبه کند.

نیازمند به قوانین و حدودیست که نگذارد از راه قسط منحرف شده، و آسوده به تجاوز و ظلم و گناه و عصیان نگردد.

نیازمند به برنامه‌هاییست که او را در حفظ حقوق خود و حقوق دیگران کمک دهد، و از انسان موجودی الهی بوجود بیاورد.

نیازمند به واقعیاتی است، که بتواند در سایه آن حکیمانانه زندگی کند، و بطور عادلانه نیازمندیهای خود را از سفره خلقت تامین کرده، و مازادش را در راه خداوند خرج نماید.

نیازمند به مسائلی است که از او منبعی از عشق و محبت، صفا و صمیمیت و وفا و جوانمردی بسازد، تا همچون شمع در راه رسیدن دیگران به رشد و کمال بسوزد. نیازمند به حقایقی است که بتواند در سایه آن خیر دنیا و آخرت خود و دیگران را تامین کند.

بدون شک وضع این نوع قانون با اینهمه گستردگی کار خود او نیست و با عقل و دانش محدودش کجا

می‌تواند قوانینی بوجود آورد که شامل تمام ابعاد و حیات گردد، و بر فرض بوجود آوردن چه ضامنی برای اجرای قانون خواهد داشت؟ تامین‌کننده اینگونه قانون، باید کسی باشد که علمش بر اوضاع هستی، و جسم و جان و عقل بشر و همه نیازهای انسان احاطه داشته باشد، تا با ارائه آنچنان قانون بین انسان و جهان، و انسان و عقل و روان و حشم هماهنگی برقرار کند، و از افراد موجودی عادل و عدالت‌پرور بسازد، و از اینطریق خیر دنیا و آخرت انسان تامین گردد. آنکس جز خدای عالم آفرین نمی‌باشد، و بحق باید گفت وضع قانون وقف حریم مقدس کبریائی است.

بنابراین از روزی که در مسئله جعل قانون، بشر به خودسری پرداخت، و در برابر حق علم استقلال برافراشت و خود را ولی خود دانست و برای تامین قانون بخود تکیه زد، تا به امروز که هزاران سال میگذرد، نتوانسته قوانین متین و محکم و مقررات حکیمانه‌ای که به تمام زوایای حیاتش گسترده باشد، و او را با جهان و خالق جهان و با انسان و با خودش هماهنگ کند، بوجود آورد.

در این زمینه نه اینکه موفق نبوده، بلکه به وضع قوانین ناقص و معیوب، و بعضاً ظالمانه دست زده، و از اینطریق هم خود را به فساد کشید و هم باشاعه فساد در کلیه جوانب حیات کمک کرد، و چه حقوقی که از انسان مظلوم پایمال نشد، و چه ستم‌ها و ظلم‌ها و جنایتها که بر انسان نرفت؟ و در میان قوانینی که وضع کرده، اگر قانون عادلانه‌ای هم بوده، بخاطر فساد بودن مجریان اجرا نشده، و آن قانون جز زینتی بر صفحه‌ها چیزی نبوده، و نمی‌توان گفت او کاشف و واضع قوانین عادلانه بوده، زیرا کلیه مقررات صحیح بشری ریشه در فرهنگ الهی و پیام رسولان خداوندی دارد.

در هر صورت بشر برای دست یافتن به کاملترین و بهترین قانون باید روی بجانب حق کند، و از طریق سفیران پاک الهی و امامان معصوم با قوانین بافته از عدالت و عشق اتصال عقیدتی و عملی پیدا کند. مجموع قوانین خداوندی عبارت از وحی او به رسولان، و گفتار پیامبران و امامان علیهم‌السلام است. قرآن کریم خود را شفای دردها و علاج‌کننده بیماریهای روحی و قلبی، و دردهای خانوادگی و

اجتماعی میداند آنجا که می فرماید: و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمومنین^(۱)

قرآن مجید برای اصلاح اخلاق مردم، و آراسته شد نشان به محاسن اخلاقی، و پاک شدنشان از رذائل روانی، بهترین برنامه‌ها و قوانین را ارائه فرموده، و از اخلاق پیامبر بزرگ که سراسر پاکی و فضیلت بود بعنوان «خلق عظیم» یاد کرده است. انک لعلی خلق عظیم.^(۲)

و ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا: پیامبر من به هر چه شما را دعوت کرد و بپذیرد، و از هر چه شما را باز داشت، نهی را قبول کنید، زیرا او به مصلحت شما به شما امر و نهی می کند. و من یطع الرسول فقد اطاع الله^(۳): کسی که اطاعت از رسول کند حتماً از خدا اطاعت کرده، ما ینطق عن الهوی، ان هو الا وحی یوحی^(۴): او از پیش خود سخن نمی گوید، کلامش نیست مگر آنچه خدا باو وحی میکند.

از سبک این آیات استفاده میشود، که انبیاء مفسر و توضیح دهنده، و حیند و بدون بیان آنان دسترسی به حقیقت وحی ممکن نیست.

قرآن مجید که قانون اساسی اسلام بوده، و منعکس کننده کلیه مسائل لازم، در جهت بهبود حیات بشر و بهترین راه زندگی را برای انسان ترسیم نموده است.

و به فرموده امیرالمومنین (ع) قرآن مجید کتابی است «که تجلی علم خدا در زندگی انسانهاست، و هادی بشر بسوی هر خیر، و بازدارنده انسان از هر شری.^(۵)

با توجه باینگونه آیات و روایات و مسائلی که در نهج البلاغه درباره قرآن آمده، آیا رسیدن به قعر قرآن و در آن مفاهیم بلند آسمانی آن، در خور فکر محدود و عقل ناقص و نارسای انسان است؟

آیا بدون معلمی که برای تعلیم قرآن و معانی عمیقش خداوند انتخاب کرده، فهم قرآن امکان دارد؟

۲- القلم ۴

۱- ابراه ۸۲

۴- نجم - ۲ و ۳

۳- نساء - ۸۰

۵- نهج البلاغه - خطبه ۱۶۷

پیامبر و امامانی که علومشان مافوق علوم بشری تا روز قیامت است، و اطاعت از آنان بهمین خاطر عقلاً و شرعاً بر همه انسانها واجب است.

اما پس از پیامبر و امامان والامقام و بخصوص از شروع غیبت کبرای امام عصر، نیاز رجوع به متخصص برای تشخیص حق از باطل و قبول رهبری آن متخصص در همه شئون زندگی همچون نیاز به پیامبر و امام احساس شد، و از طرفی هم قرآن و امامان رجوع به چنین متخصص را واجب و لازم اعلام کرده بودند، روی این اصل مسئله با عظمت اجتهاد و مجتهد و فقیه جامع الشرایط در خط پاک اسلام یعنی تشیع سرخ تجلی نمود.

فقیه جامع الشرایط شخصیت والائی است، که در فهم قرآن و روایات و تشخیص مسائل حق از باطل، و اسلامی از غیر اسلامی، از همه امت ورزیده تر و داناتر، و با حکام پاک خداوندی آگاه تر است، و در شجاعت و عدالت، زهد و تقوا، عمل و عبادت در رأس امت قرار دارد.

قرآن کریم و احادیث جامع اسلامی، و فقیهان بزرگوار، قوانین قضا را به عالیتین شکل بیان کرده، و بدون شک برپا شدن عدل را، جز در سایه اجرای آن قوانین نباید توقع داشت.

پیامبر اسلام در تعریف مومن چنین میفرماید: «مومن کسی است که مردم مومن او را بر جان و مال خود امین بدانند، بر مؤمن حرام است بمؤمن ستم کند، یا از او بدگوئی نماید، یا به شخصیت والای او ضربه بزند، یا او را بدون علت از خود براند.»^(۱)

از مجموع روایاتی که درباره مومن رسیده استناد می شود که مومن اهل انصاف، مساوات، ایثارگری، فتوت، جوانمردی، گذشت کمک کننده، حلال مشکلات، قبول کننده حق، رعایت کننده حق یتیم، مراعات کننده حق همسایه، درستکار، راستگو، با تقوا، امین، ورع، پرهیز کننده از مال حرام، خوش قلب، مهربان، با محبت، صابر، متوکل، و قور و حلیم است.

چگونه ممکن است چنین انسانی دست بظلم و تجاوز بزند، و حق فردی از مسلمین را ببرد، راستی به مومن با این صفاتی که برایش شمرده‌اند چنین گمانی نمی‌رود، ولی ممکن است از طرف دیگران بحق او ظلم شود، که در اینصورت برای احقاق حقش قیام کرده، اگر نتوانست از قدرت دستگاه قضائی اسلام استفاد کرده و به حق خود خواهد رسید.

ای کاش همه مردم به اصول اسلام و صفات عالی مومن پای‌بند بودند، تا اختلافی و مشکلی و تجاوز به حقی پیش نمی‌آمد، و از این راه به صرفه‌جویی بودجه دولت کمک شایانی می‌شد.

بنابراین کار قضا یک کار علمی و تحقیقی است. قاضی هم باید به موارد ادعا برسد و هم حکم دعوی ثابت شده را از قانون یا منابع معتبر شناخته شده دریابد، در هر پرونده‌ای نتیجه کار علمی او در قالب حکم یا قرار در می‌آید. قاضی مکلف است این نتیجه با استدلال و مستند به اصول و قوانین تنظیم و مکتوب نماید. حکمی که با دو سطر کج و معوج بدون استدلال و بعضاً خلاف شرع و قانون انشاء گردد و فقط قاضی صادرکننده در آن بیان شده باشد فاقد مبانی علمی است و میبایست طبق مقررات مدون مرجعی که از قضات متبحر و با سابقه و بنحوی اطمینان بخش باشد اینگونه احکام را نقض نموده تا متعاقباً اعتماد و اطمینان مراجعین را جلب تا همگان بر این باور باشند که فقط احکامی که در اجرای عدالت صادر گردیده قابلیت اجرا دارند. در اینجا نقش نظارتی که قانونگذار به دادسرای دیوانعالی کشور داده مشخص میگردد تا در معیت دیوانعالی کشور به واقع جہتی در راه استقرار عدالت که هدف اصلی حکومت اسلامی است گام بردارد.

در این تحقیق برای اینجانب موارد زیر به اثبات رسیده است:

- ۱- وجود دادسرای دیوانعالی کشور در معیت دیوانعالی کشور ضروری است.
- ۲- تشکیلات فعلی دادسرای دیوان مذکور با وضعیت فعلی سازگار و متناسب نمی‌باشد.
- ۳- اختیارات قانونی تفویض شده به دادسرای دیوان عالی کشور کافی نیست زیرا با نقض آراء و عدم